

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۴

۲۵ بهمن ۱۴۰۰
۱۴ فوریه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ بهمن: **تجمعات سراسری
بازنشستگان تامین اجتماعی**
صفحه ۷

اخباری از اعتراضات کارگری
برگرفته از اطلاعیه های حزب
کمونیست کارگری، صفحه ۴

چند خبر از خوزستان
کمیته سازمانده، واحد
خوزستان، صفحه ۸

برگرفته از مدیای اجتماعی
صفحات ۹-۱۲

به دام تفرقه نیفتید: همه ما
کارگریم!

خواستنه های فوری ما
کارگران نفت در قبال بیماری
مهلک کرونا

باز هم محیط کار قربانی
گرفت

حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۱ حقدر خواهد بود؟

حسن صالحی

اگر این سؤال را از کارگران پرسید پاسخ روشنی به شما می دهند. پایه دستمزد سال ۱۴۰۱ باید مبلغی معادل ۱۶ میلیون تومان و یا بیشتر باشد. این خواستی است که بخش های مختلف طبقه کارگر تاکنون با صدور بیانیه های متعدد چه بصورت گروهی و یا مجزا مطرح کرده اند. تعیین میزان حداقل دستمزد کار سختی نیست. کفایت قیمت اقلام مواد غذایی، پوشاک، هزینه مسکن دارو و درمان و سفر و اینترنت و تفریح را ردیف کرد و بر مبنای

آن میزان حداقل دستمزد را تعیین کرد. رقم ۱۶ میلیون تومان با توجه میزان خرج و برچی که هر خانوار کارگری دارد حداقل رقمی است که می تواند در شرایط حاضر مبنای تعیین حداقل دستمزد قرار بگیرد. اما در صف مقابل کارگران یعنی کارفرمایان و دولت آنها در تدارک گرفتن یک تصمیم بیشرمانه دیگر در زمینه دستمزد هستند. نشانه های آن از همین حالا پیداست. چندی پیش شورای عالی کار هزینه سبد معیشت کارگران را رقمی در حدود ۹ میلیون تومان تعیین کرد. رقم سه میلیون و ۲۸۶ هزار تومان را به عنوان

هزینه اقلام خوراکی و غذایی کارگران اعلام کردند و هزینه غیرخوراکی ها مثل مسکن و درمان و آموزش، رقمی حدود پنج میلیون و ۶۹۳ هزار تومان را شامل می شود. طبعا میزان سبد معیشت کارگران فاکتور بسیار مهمی در تعیین حداقل دستمزد است. اما حتی ارائه این رقم کم بعنوان هزینه سبد معیشت کارگران جنبه نمایشی دارد. چرا؟ چون سال گذشته هم اگر به خاطر داشته باشید هزینه سبد معیشت تقریباً ۷ میلیون تومان اعلام شد و نهایتاً حداقل دستمزد کارگران ۲ میلیون صفحه ۳

پیمان بازی تورم و دستمزد

یاشار سهندی

سال که به دو ماهه پایانی آن میرسد گریه رقصانی مزدوران سرمایه سر دستمزدها شروع می شود. بازی را معمولاً نماینده دولت شروع می کند. مسعود میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه حرفهای که دیگر حتی بین خودشان هم دیگر اعتباری ندارد تکرار کرده است. ایشان مدعی شده دولت تصمیم دارد قدرت خرید مردم را افزایش دهد بدون

آنکه دستمزدها را افزایش دهد! چون گویا "منبع دولتی" وجود ندارد. ایشان اشک تمساح ریخته و می گوید اگر دستمزدها را افزایش دهند دولت باید "دست در جیب محرومان جامعه (کند) و آن ها باید هزینه این تصمیم را بپردازند." تا جای که ما یادمان هست دولت ها همیشه دستشان در "جیب محرومان" بوده. تمام هزینه دولت و تمام دم و دستگاههای حاکم تماماً از جیب

محرومان به بهانه های گوناگون کش رفته اند. نمونه جمهوری اسلامی، در این زمینه رسواترین این حکومتها بوده. و همیشه وقتی نوبت به خود "محرومین" رسیده یکباره خزانه دولت خالی نشان داده می شود. کف دست شان را رو به صورت "محرومین" می گیرند و مدعی می شوند: "اگر مو کف دستم می بینی، بکن!" و اگر جای بر اثر فشار مجبور می صفحه ۲

به پیشواز روز جهانی زن برویم

صفحات ۵ و ۶

مونا فرزند همه ماست، کیان کارگر نفت، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۲

بیانیه_کانون صنفی معلمان ایران در محکومیت قتل فجیع مونا_حیدری، کودک همسر اهوازی، صفحه ۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیمان بازی تورم و دستمزد...

از صفحه ۱



هستند که چند سالی است دیگر تعیین دستمزد بر اساس تورم و خط فقر و تصمیمات شورای عالی کار به رسمیت نمی شناسند و امسال شاهدیم که تشکلهای کارگری روی رقم ۱۶ میلیون به عنوان حداقل حقوق تاکید دارند. تداوم و گسترش بی وقفه مبارزات کارگران و بخشهای دیگر جامعه طی سالهای گذشته و بخصوص در سال گذشته که به صورت اعتصابات و اعتراضات سراسری کارگران پیمانی نفت و معلمان و بازنشسته گان خودش را نشان داده ثابت می کند که دوران دغل بازی نمایندگان سرمایه به ته خود رسیده است. ایشان با تکرار بازی تورم و دستمزد؛ و توهین به شعور کارگران فقط موجبات عمیق ترش شدن خشم توده های کارگر را فراهم می کنند. کارگران امروز نه تنها به فقر اعتراض دارند بلکه بر برچیده شدن حقوقهای نجومی و اختلاس ها و دزدی ها تاکید دارند.

**به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!**



شماره تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

باشد تا شاید بتواند به این رقم که ایشان در نظر دارند دست یابد. چوب حراج زدن به معیشت و منزلت مزدبگیران کار همیشگی رژیم اسلامی سرمایه بوده و هست، و در این حراجی داستان معکوس است. این تنها حراجی در دنیا است که برنده حراجی آن کسی است که کمترین قیمت را نسبت به قیمت پایه (که آنرا هم نمایندگان سرمایه مشخص کرده اند) تعیین می کند. در حراجی نیروی کار، معیشت کارگران اختصاص داشت و سایر موارد نظیر هزینه مسکن، اجاره بها و ایاب و ذهاب (یعنی ۶۳٪ درصد باقی مانده) پس از اخذ آمار از مراجع رسمی نظیر بانک مرکزی و همچنین میزان تورم به جلسه هفته سوم اسفند موکول شد. و همگان می دانیم آخر این بازی کثیف چگونه با توهین به شعور کارگران خاتمه می یابد.

دیگر نیاز به تکرار نیست مبنای محاسبات ایشان نه کرامت انسانی کارگران بلکه کف دستمزدی ملاک است که کارگری بتواند زنده بماند و کار کند. حتی مبنای حدود ۹ میلیون ایشان بر این اساس است که کارگر در یک ماه به اندازه دو ماه کار کند. یعنی به جای ۱۹۲ ساعتی که قانون مقرر کرده باید بتواند ۳۸۴ ساعت در ماه کار کند؛ این می تواند یا به شکل اضافه کار صورت گیرد؛ یا کارگر باید در فکر کار دوم یا سوم

شوند پولی در نظر بگیرند با هزار منت آنرا به سوی "محرومین" پرت می کنند. بهرحال بهانه های مانند "افزایش نقدینگی" و "خلق پول" نخ نما شده و صدای اقتصاددانان (قسمت دوم بازی را ایشان اجرا می کنند) که تا دیروز همین حرفها را تو مخ حاکمان اسلامی کرده اند نیز در آمده. یکی از این ایشان به نام "علی دینی ترکمانی" خطاب به رئیس سازمان برنامه و بودجه می گوید: "... ابتدا تورم است که افزایش پیدا می کند که بعد از آن دستمزدها بیشتر می شود، دولت باید اقدامات دیگری را انجام دهد تا تورم کنترل شود، نه اینکه به خاطر افزایش تورم دستمزدها را به میزان لازم افزایش ندهد." و این اقتصاددان اعتراف می کند تعیین حداقل دستمزد "بازی تورم و دستمزد" بوده و ایشان نه نگران زندگی "محرومین"، بلکه نگران "تبعات جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی" برای نظام حاکم است که ایشان از قبل آن ارتزاق می کند. و قسمت سوم بازی ختم می شود به سه جانبه گرایی کذایی. که در واقع سه ضلع یک مثلث هستند که همیشه در پی آن بودند تا می توانند زنجیر بردگی را بر پای کارگران محکم تر کنند.

فرامرز توفیقی رئیس کمیته دستمزد قانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و نماینده کارگران (؟!!) در شورای عالی کار (سرمایه) خبر داده: "رقم ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان سبد معیشتی تعیین شده که در جلسه شنبه شب (۱۶ بهمن) شورای عالی کار به امضای همه طرفها رسید." و این جناب ادامه می دهد: "این سبد معیشتی اعلام شده کف هزینه های خانواده های کارگری محسوب می شود و

پیش بسوی ایجاد شوراها!



حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۱...

از صفحه ۱

در کشور تصمیم بگیرند. نمایندگانی که به همین منظور از طرف مجامع عمومی کارخانه‌ها، در اجتماعات محلی و شهری سالانه کارگران اصناف و کارگاهها، انتخاب شده‌اند و ماموریت یافته‌اند. و این خود کارگران، مجمع عمومی و اجتماعات سالانه کارگران در هر کارخانه و محل است که باید در مورد مزد و مزایای شغلی مربوط به آن تصمیم بگیرد. هم در سطح سراسری، و هم در سطح کارخانه و محل، تصمیم‌گیری در مورد اینکه کارگر با چه دستمزدی کار خواهد کرد فقط و فقط حق کارگر است.

سال آتی بطور قطع سال جدالهای مهمی در جامعه خواهد بود. حتی اگر جمهوری اسلامی از بالای سر کارگران موفق شود بار دیگر دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر را مقرر کند ولی مبارزه برای یک زندگی انسانی ادامه خواهد یافت و جامعه کارگری در مقابل رژیم اسلامی صف آرایی خواهد کرد. مبارزه برای افزایش دستمزدها و حقوقها که امروز بودجه و سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را زیر سؤال برده است باعث می‌شود که نیروی وسیعتری را به گرد خود جمع آوری کند. مساله فقط این بخش معلمان و یا آن بخش کارگران و این قشر و یا آن قشر نیست بلکه بودجه کل جامعه را در بر میگیرد و اعتراض به بودجه میتواند سراسری و فراگیر بشود. نفس همین موضوع چشم انداز روشنی را در مقابل ما برای خلاصی از این وضعیت فلاکت بار قرار می‌دهد.

۱۲ فوریه ۲۰۲۲

گذاشته است که حالا وعده تورم بسیار کمتر را به مردم می‌دهد؟! در نزاعهای خودشان دارند از شوک تورمی و در پیش بودن شورشهای شهری به این دلیل حرف می‌زنند. آنچه که وزیر اقتصاد با این دروغگویی‌ها دنبال می‌کند این است که میزان تورم در نظر گرفته شده در تعیین دستمزد سال آتی را بسیار کمتر از آنچه تورم واقعی است جا بزنند. از همین حالا می‌توان فهمید که افزایش ناچیز دستمزدها در سال جدید چگونه در همان ساعات اولیه توسط تورم بلعیده می‌شود و نهایتاً به کاهش قدرت خرید کارگران می‌انجامد.

خلاصه کنیم تا آنجا که به صف مقابل کارگران برمی‌گردد یعنی کارفرمایان و دولت همه نشانه‌های حاکی از آن است که این جماعت تصمیم دارند بار دیگر زندگی کارگران را قربانی منافع سودپرستانه خود بکنند و جامعه را به سوی فقر و فلاکت بیشتر سوق دهند. ما نباید این اجازه را بدهیم و همین امروز جنبش بزرگ "معیشت و منزلت" در جامعه چنان در غلیان است که به دولت و کارفرمایان اجازه چنین کاری را نمیدهد. تا آنجا که به دستمزد بر می‌گردد ما اعلام می‌داریم که که نه دولت و نه هیچ کس دیگری مجاز به تصمیم‌گیری در مورد دستمزد نیست. این فقط و فقط خود کارگر است که باید که در باره تعیین حداقل دستمزد تصمیم‌گیرنده و طرف حساب با کارفرمایان و دولت باشد و نه کس دیگری. تصمیم‌گیری در مورد دستمزد حق بی‌چون و چرای کارگر است. این نمایندگان منتخب و سراسری کارگران هستند که باید در مورد حداقل مزد رسمی

جمهوری اسلامی کسری بودجه عظیمی دارد و دولت میخواهد کسری بودجه خودش را به اشکال مختلف از جیب توده مردم مصرف‌کننده تامین کند. به این معنا بودجه سال آتی یک بودجه جنگی است. جنگی به این معنا که جمهوری اسلامی در این بودجه با مردم اعلام جنگ کرده است. مسئله این نیست که جمهوری اسلامی پول ندارد. به قول معلم‌ان پول هست ولی صرف اولویتهای دیگری می‌شود. این اولویتهای چیزی جز حفظ خود قدرت رژیم نیست. از همین رو جمهوری اسلامی بیشترین امکانات مالی اش را صرف سرکوب و تحمیق و ارگانهای انتظامی و اطلاعاتی و تبلیغاتی خودش میکند و نه صرف رفاه مردم و حتی دادن حق مسلم مردم مثل پرداخت دستمزدها که شش ماه شش ماه به عقب می‌اندازند. سپاه و نیروهای سرکوب را باید پرور کنند که بقول خودشان جلوی شورش گرسنگان را بگیرند. بنابراین تا آنجا که به بودجه بر می‌گردد نه فقط چیزی به سفره مردم اضافه نمی‌شود بلکه قرار است از جیب مردم چیزی هم برای جبران کسری بودجه شان بردارند.

مسئله بعدی دروغ آشکار و خالی بندهای وزیر اقتصاد است که گفته است "در سال آینده تورم بسیار کمتری را تجربه خواهیم کرد." میزان سطح تورم در کشور علاوه بر هزینه سبد معاش یکی از مبانی تعیین حداقل دستمزد است. من نمی‌دانم که این وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی از کاهش تورم در کدام کشور و جامعه حرف می‌زند؟! در آبانماه بود که مجیدرضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، گفت اقتصاد ایران در "خطرناک‌ترین نقطه تاریخی تورم ۴ دهه اخیر" قرار گرفته است و احتمال بروز یک "آبرتورم" و گرانی شدید کالاها وجود دارد. معلوم نیست که در این فاصله چند ماهه وزیر اقتصاد حکومت چه تخم دوزده ای

و ۶۰۰ هزار تومان مورد تصویب قرار گرفت که با سایر مزایای شغلی دریافتی کارگر متاهل با دو فرزند به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید. اگر قرار است که واقعا تعیین میزان هزینه سبد معیشت در دستمزد پایه کارگران تاثیر داشته باشد چرا عملاً میزان دستمزد حتی چندین برابر کمتر از هزینه سبد معیشت مقرر می‌شود؟! حالا به این برمی‌گردیم که این رقم ۹ میلیون تومان بعنوان هزینه سبد معیشت کارگری برای یک خانوار کارگری در ابعاد ۳/۳ نفر از کجا آمده است و چه مبنایی دارد؟ این رقم ۷ میلیون تومان کمتر از آن چیزی است که کارگران می‌خواهند. صرفنظر از اینکه میزان حداقل دستمزد بسیار کمتر از همین رقم خواهد بود ولی

سؤال این است که شورای عالی کار این مبلغ ۹ میلیون تومان را بنا به معیارهای زندگی چه کسی استخراج کرده است؟ یعنی چند نفر از اعضای شورایی عالی کار حاضرند که در مجمع عمومی مشترک کارخانه‌های شرق، غرب یا جنوب تهران و یا مجمع عمومی هر کارخانه بزرگ و یا هر اجتماع آزاد کارگری حاضر شوند و در مقابل حرفها و استدالات کارگران از نحوه تعیین و میزان هزینه سبد معیشت کارگری توسط خود دفاع کنند؟ تازه همانطور که قبلاً گفتیم که جمهوری اسلامی معمولاً میزان حداقل دستمزد را چند برابر زیر سبد هزینه زندگی تعیین می‌کند. در هر حال نقطه عزیمت کارگران بر سر دستمزد، تامین نیازهای زندگی مرفه برای یک خانوار کارگری است. کارگران به حقوق‌های نجومی و فلاکت عمومی اعتراض دارند و می‌خواهند سطح دستمزدها به گونه ای باشد که بتواند رفاه و آسایش و یک معیشت انسانی را برای آنها تامین کند. در شرایط حاضر دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون تومان باشد.

نکته بعدی بودجه سال آتی است که همه از انقباضی بودن آن حرف می‌زنند.

اخباری از اعتراضات کارگری

برگرفته از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

جمله در روز ۲۳ بهمن اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران و شماری از فعالین کانون صنفی تهران و البرز تجمع کرده و با دست گرفتن عکس معلمان زندانی خواستار آزادی آنها شدند. یک اعتراض معلمان به صدور حکم چهار سال و شش ماه حبس برای جعفر ابراهیمی بارزس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی است. خواست معلمان مختومه شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستها و اعتراضات معلمان بر آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی تاکید دارد.

تجمع کارگران سیمان سپاهان

روز ۲۳ بهمن ماه، کارگران سیمان سپاهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، دستمزد پایین و عدم امنیت شغلی و خلف وعده ها برای چندمین بار دست به تجمع زدند. تجمع قبلی آنها در ۱۷ بهمن برگزار شد.

معضلات معیشتی بسیار کار میکنند و هیچگونه امنیت شغلی ای ندارند.

معلمان در این تجمع شعار میدادند: "تا حکم را نگیرم، سر کلاس نمیرم"، "قانون تصویب شده چرا اجرا نمیشه"، "وعده وعید نمیخوایم، صدور احکام میخوایم". یک خواست قطعنامه های معلمان و فراخوان اعتراضی آنها برای روزهای سی ام بهمن و یکم اسفند ماه استخدام معلمان حق التدریسی است.

تجمعات معلمان در همبستگی با معلمان زندانی

یک خواست فوری معلمان آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است و این مطالبه بندی از قطعنامه های آنها و یک محور مهم فراخوان آنها به تجمعات سراسری بزرگ برای روزهای ۳۰ بهمن و سوم اسفند ماه است. در همین راستا معلمان برای آزادی همکاران در بند خود تلاش میکنند و میکوشند که همبستگی خود را با آنها اعلام کرده و پیگیر مطالباتشان باشند. از

تجمع جمعی از بازنشستگان شرکت نیشکر هفت تپه

ساعت ۹ صبح روز ۲۳ بهمن بازنشستگان سال ۹۹ و ۱۴۰۰ نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن بخشی از سنوات شغلی خود پس از منع ورود به شرکت توسط حراست، اقدام به بستن درب بهره برداری نموده و سپس در مدیریت شرکت تجمع کردند.

اعتصاب و تجمع معلمان حق التدریسی

روز شنبه ۲۳ بهمن ماه پیش از سید معلم حق التدریسی مرحله سومی با تعطیل کردن کلاس های درس در مقابل ساختمان وزارت آموزش پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار استخدام رسمی شدند. اعتراض آنان به عدم صدور احکام استخدامی است که در سال ۹۷ به تصویب مجلس رسیده است و خواستار پیگیری مطالباتشان هستند. این معلم علی رغم سالها سابقه کار، همچنان ماهیانه ۲ میلیون تومان حقوق میگیرند و با

تجمع کارگران کاغذ پارس مقابل فرمانداری شوش

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن کارگران شرکت کاغذسازی کاغذ پارس در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به مطالباتشان مقابل ساختمان فرمانداری شوش دست به تجمع زدند.

اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه (سیمان سپاهان)

روز یکشنبه ۱۷ بهمن کارگران کارخانه سیمان سپاهان در اعتراض به وضع معیشتی و کاری خود و خلف وعده ها تجمع کردند.

تجمع اعتراضی نیروهای شرکت توزیع برق قم

روز یکشنبه ۱۷ بهمن نیروهای شرکت توزیع برق قم در اعتراض به شرایط سخت کاری، دستمزدهای کم و قراردادهای موقت برده وار با خواست دائمی شدن قراردادهای و پاسخگویی به دیگر مطالبات خود دست به تجمع زدند.



پیش بسوی اغتصابات سراسری

حمید تقوایی

بیشتر روز جهانی زن برویم زنده باد انقلاب زنانه!



جسور و شجاع و خشمگین کل جامعه پیا خاسته ایران علیه جمهوری اسلامی را نمایندگی میکنند. انقلابی که در حال شکل گیری است انقلابی زنانه است. زنده باد روز جهانی زن، زنده باد انقلاب زنانه!
حمید تقوایی
۵ فوریه ۲۰۲۲

که در مترو و اتوبوس "نقل و نبات" تبار اسلام و مقدسات اسلامی میکنند، مادران دادخواهی که با اسم و رسم و با سر افراشته اعلام میکنند رای ما سرنگونی است و در دادگاه آبان تریبونال کیفر خواست کوبنده شان علیه سران حکومت را اعلام میکنند، زنانی که در پیشاپیش صفوف معلمان و بازنشستگان به میدان آمده اند، این زنان

سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم. مادران خاوران و مادران آبان که پرچم دادخواهی همه مردم علیه جلادان حاکم را بر افراشته اند، دختران قهرمانی که حجاب از سر بر میگیرند و دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم می شکنند، زنان شجاعی که در خیابانها عمامه لگد میکنند و با گشت ارشاد در می افتند، زنان خشمگینی

هشت مارس روز جهانی زن را پیشاپیش به همه زنان و مردان آزاده ایران تریک میگویم. مبارزه زنان برای رهائی با تظاهرات با شکوه زنان و مردان معترض به حجاب اجباری در یکماه بعد از بقدرت رسیدن زن ستیزان اسلامی آغاز شد. امروز شاهد حضور زنان در پیشاپیش صفوف مبارزه مردم د رهمه عرصه ها برای

تاریخ تجمعات سراسری بعدی معلمان: روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند ۱۴۰۰

عبارتند از: اجرای قانون همسان سازی بازنشستگان مطابق قانون خدمات کشور در سال ۱۴۰۰، تصویب اجرای کامل رتبه بندی و اختصاص بودجه لازم برای آن در سال آینده بر اساس حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه، توسعه مدارس استاندارد و آموزش رایگان و با کیفیت، رسیدگی به حقوق نیروهای خدماتی مدارس، پایان دادن به غارت صندوق ذخیره فرهنگیان، امنیت شغلی نیروهای خرید خدماتی و قراردادی، و همچنین آزادی همه معلمان در بند. هم اکنون این معلمان در زندانند: اسماعیل عبدی، هاشم خواستار، محمد حسین سپهری، زینب همرنگ، معصومه عسکری، عالیہ اقدم دوست، محمد ارکیان، حسین رمضان پور، محمد رضا رمضان زاده، یعقوب یزدانی، محمدتقی فلاحی، شعبان محمدی، و مریم کبیری. برای جعفر ابراهیمی نیز ۴ سال و ۶ ماه حکم زندان صادر شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند معلمان را به برگزاری تجمعات بزرگ خود در سطح سراسری فراخوانده است.

یک خواست فوری معلمان آزادی معلمان دربند و بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی است. در بخشی از فراخوان شورای هماهنگی چنین آمده است: "همانگونه که می دانید هیچ یک از مطالبات ما تاکنون محقق نشده است و ما بر پای عهد خود با فرهنگیان ایستاده ایم. وعده های پوشالی در عزم و اراده ما خللی ایجاد نخواهد کرد و تا مطالبات بازنشستگان و شاغلان محقق نگردد، ضمن توجه به سایر اشکال پیگیری مطالبات، ما به اعتراضات خود ادامه می دهیم." بدین ترتیب معلمان بر ادامه روند تجمعات در اسفند ماه و سال آینده به شیوه های جدی تر و گوناگون و برای پیگیری خواسته های خود تاکید میکنند.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات معلمان اعلام

رئوس خواسته های برشمرده معلمان در قطعنامه های اعتراضی قبلی شان از جمله



داشته و تلاش میکند صدای اعتراض آنان در سطح جهان باشد. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و تمامی پرونده های تشکیل شده برای آنها و برای همه فعالین سیاسی باید مختومه اعلام گردد. (تلیخیصی از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری)

حمید تقوایی:

امروز مبارزات سراسری یک واقعیت روزمره است. جنبش دادخواهی در داخل و خارج کشور، اوجگیری مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بعد از قتل بکتاش آبتین، اعتراضات معلمان در بیش از ۳۰۰ شهر و روستا، و اکنون فراخوان تجمع ۲۹ تشکل بازنشستگان. این مبارزات سراسری ادامه کار و سازمان یافته است و حول خواسته های فراگیر شکل گرفته است. خواسته هایی که بخش عظیمی از جامعه را نمایندگی میکند. بازنشستگان در فراخوانشان اعلام میکنند دولت "برای فربه شدن عده ای خاص، طی چهار دهه، سفره ی ما بازنشستگان را روز بروز کوچک و کوچکتر کرده و گرانی و تورم سرسام آور تحمیلی، خیلی از اقلام ضروری را از سفره ی ما بیرون کشیده است..." این حرف معلم و هفت تپه و کارگر پیمانی نفت هم هست.

۸ مارس روز جهانی زن کرامی باد

هشت مارس، روز جهانی زن را گرامی بداریم

۸- مارس روز جهانی زن در شرایطی گرامی میداریم که قتل ناموسی مونا حیدری یک لرزه و تکان مرگ در سرتاسر جامعه ایجاد کرد. گناه مونا جوان این بود که در یک شرایط سنت زده، اسلام زده، و ضد زن پا به زندگی گذاشت. مونا قربانی سیستم و سنت و مذهب حاکم در این کشور شد. تجاوز جنسی، کودک همسری، بی حقوقی زن و بی ارزش شدن جان زنان جزئی از این سیستم کثیف و عهد حجری و عقب مانده است که بر این جامعه حاکم کرده اند. ۸ مارس روز مونا حیدری ها و روز اعتراض ما در سطح سراسری علیه بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و جنایات هر روزه آن علیه زنان و بردگی حاکم است. این روز را در خشم اعتراض به قتل مونا حیدری و مونا ها گرامی بداریم.

زنان در ایران در صف مقدم اعتراض علیه وضع ضد انسانی موجود، و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن و سنن و فرهنگ اسلامی در چهل سال گذشته بوده اند. ۸ مارس روز گرامیداشت بیش از ۴۰ سال ایستادگی شجاعانه جنبش برای رهایی زن در مقابل یک حکومت ضد زن و ارج نهادن به نقش درخشان زنان در جلوی صف اعتراضات در سطح جامعه است،

۸- مارس روز ارج گذاشتن به زنانی است که بخاطر سر فرود نیاوردن در برابر بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و بخاطر بر زمین کوبیدن حجاب این سمبل بردگی حکومت اسلامی به زندان و شلاق محکوم شدند و هم اکنون در زندانند.

۸- مارس روز کیفرخواست علیه حکومت آپارتاید جنسی، روز دادخواهی



علیه بیش از ۴ دهه بیحقوقی، اذیت و آزار جسمی و روانی، اسیدپاشی، تیغ کشی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومت علیه زنان و روز دفاع از شان و جایگاه و حقوق انسانی زنان است. جنبش برای رهایی زن جنبشی است در پیوند با اعتراضات کل جامعه مدرن و پیشرو و برابری طلب و یک رکن مهم جنبش سرنگونی است. هشت مارس روز #اعتراضات_سراسری_معلمانااعتراض همه مردم است.

۸- مارس روز اعتراض سراسری به تمام مظاهر ستم کشی و خشونت سازمانیافته علیه زن، از جمله اعتراض علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و سیاستهای حکومت در حمایت از سنن عقب مانده ضد زن است،

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

هشت مارس را سراسری کنیم



مختلف جامعه با محوریت زنان و انقلاب و بیش از ۴۰ سال مبارزه برای رهایی زن، - تاکید بر آزادی فوری و بی قید و شرط زنان مبارز زندانی از جمله سپیده قلیان، گلرخ ایرانی و... و همه زندانیان سیاسی و مخومه اعلام کردن پرونده های امنیتی آنها، شعار نویسی به مناسبت هشت مارس و به راه انداختن طوفان تویتری با هشتگ #نه_به_آپارتاید_جنسی تهیه عکس و فیلم از فعالیت ها فراموش نشود

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

دانشگاهها، در محلات و در فرهنگسراها، در کلاب هاس ها و در کف خیابان، گرامی بداریم.

- به مناسبت ۸ مارس مدیای اجتماعی را به صحنه اعتراض و به مرکز داغ بحثها و گفتمانهای روز جهانی زن تبدیل کنیم.

- برپایی نمایشگاه عمومی عکس و فیلم از "مبارزات بیش از ۴۰ سال زنان برای رهایی" و مبارزات زنان در سراسر جهان برای دستیابی به حقوقشان در دانشگاهها، در گالری ها و مکانهای مناسب اقدامی مناسب به مناسبت هشت مارس است.

- با پخش کلیپ های صوتی و تصویری بصورت فردی و جمعی هشت مارس را به روز اعتراض خود تبدیل کنیم

برگزاری کنفرانس و سخنرانی و پخش پوسترهای تبلیغی به مناسبت ۸ مارس در شبکه های اجتماعی/فیسبوک، تویتر، تلگرام و اینستاگرام ۸ مارس را گرامی بداریم.

-انتشار بیانیه های جمعی به مناسبت ۸ مارس از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش های

ناموسی تبدیل کنیم.

۸- مارس را در محل زندگی و با بر پا کردن تجمع و اعتراض و حجاب برگیران علیه آپارتاید جنسی تبدیل کنیم.

- سرودخوانی بدون حجاب در اماکن عمومی و شلوغ از جمله مترو، پارک و...، شکلی از اعتراض خیابانی در روز جهانی زن است

- به راه انداختن کارناوال دوچرخه سواری با بنر گرامیداشت ۸ مارس و سخنرانی بدون حجاب در اماکن عمومی،

۸- مارس را در جمع های خانوادگی و خویشاوندی و دوستانه برگزار کنیم.

- پخش تراکت و پوسترهای اعتراضی به مناسبت هشت مارس در اماکن عمومی و نصب آنها در تابلو اعلانات دانشگاهها، مراکز فرهنگی و هنری، باشگاههای ورزشی، مراکز خرید، کتابخانه ها و کتابفروشی ها، شکلی از اعتراض در شکلی از اعتراض در هشت مارس است.

۸- مارس، روز جهانی زن را در

۸- مارس روز جهانی زن، نزدیک است. ۸ مارس را با ابتکارات مختلف میتوان به یک روز اعتراض سراسری علیه رژیم آپارتاید جنسی تبدیل کرد. از جمله:

۸- مارس را به روز اعتراض سراسری علیه بساط آپارتاید جنسی حاکم و علیه تمام مظاهر بردگی زن تبدیل کنیم.

- مونا حیدری قربانی قتل های ناموسی، قربانی سیستم و سنت و مذهب حاکم در ایران شد. ۸ مارس را به روز اعتراض علیه کل سیستم سرکوب سیستماتیک آپارتاید جنسی حاکم در جامعه تبدیل کنیم.

--باکارزارهای مبارزاتی مان علیه مظاهر آشکار ستمکشی زن در جامعه و علیه سیستم سرکوب سیستماتیزه شده آپارتاید جنسی حاکم به استقبال ۸ مارس برویم و این روز را سراسری گرامی بداریم.

۸- مارس را به روز اعتراض و تجمعات اعتراضی علیه قتل ناموسی مونا حیدری و مونا ها تبدیل کنیم. به روز اعتراض علیه کودک همسری و تجاوز جنسی به کودک در بستر زناشویی و علیه قتل های

۲۴ بهمن: تجمعات سراسری بازنشستگان تامين اجتماعي در شهرهای مختلف

ساعت ده و نیم صبح روز ۲۴ بهمن بازنشستگان تامين اجتماعي در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای پیگیری مطالبات خود در چند شهر تجمع کردند. این تجمعات بنا به گزارشهای تاکنون دریافت شده، در شهرهای تهران، اراک، تبریز، اهواز، شوش، شوشتر، سنندج، کرمانشاه، مشهد، خرم آباد و رشت برگزار شد. فراخوان برگزاری این تجمعات از سوی ۳۱ تشکل مستقل بازنشستگان داده شده بود و در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامين اجتماعي صورت گرفت.

در اهواز بازنشستگان شعار میدادند: بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض، درمان رایگان حق مسلم ماست. تحصیل رایگان حق مسلم ماست، اجرای همسان سازی حق مسلم ماست. در اراک بازنشستگان با شعارهای "گرسنه و بیکاریم از ستمگر بیزاریم"، "تا حق خود نگیریم از پای نمی نشینیم" اعتراض خود را فریاد میزدند. در تجمع مشهد بازنشستگان با شعارهای "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاری"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت" صدای اعتراضشان را به فقر و بی تامينی بلند کردند. در شوش بازنشستگان شعار میدادند: "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "کشتی بازنشسته، دیگه به گل نشسته". در تبریز تجمع بازنشستگان در مقابل تامين اجتماعي برپا شد و سپس آنها راهپیمایی کردند. در تجمع این شهر یکی از بازنشستگان طی سخنان پرشوری با اعتراض به فقر و فلاکت حاکم بر جامعه گفت: "در مملکتی با این همه ثروت چرا ما باید در این فلاکت زندگی کنیم؟". در کرمانشاه بازنشستگان با در دست داشتن بنرهایی به حقوقهای زیر خط فقر اعتراض خود را اعلام کردند. در یکی از بنرها نوشته شده بود: "با این حقوق ناچیز جانها به لب رسیده" از سوی فراخوان دهندگان تجمع

همچنان در ادامه سرکوب زندگیمان قلمداد میکنیم. با تورم و فلاکت نمیسازیم و حق خود را همچنان فریاد میزنیم! بازنشستگان بر پرداخت حداقل عیدی دو برابری حقوق تاکید دارند.

در روز ۲۴ بهمن همچنین بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران مثل یکشنبه های قبل در اعتراض به شرایط سخت معیشتی خود مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند. همچنین بازنشستگان نفت در روز قبل از آن تجمع در ۲۳ بهمن در اعتراض به وضع بد معیشتی خود در مقابل ساختمان مرکزی نمایندگی صندوق بازنشستگان نفت تجمع داشتند.

بازنشستگان در اعتراضاتشان بارها و بارها بر افزایش حقوقهای خود به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی تاکید کرده اند. تاکید کارگران امسال افزایش حقوقها به بالای ۱۶

قطعنامه پاپیانی مجمع سراسری بازنشستگان؛ یکشنبه ۲۴ بهمن ماه

برگرفته از مدياي اجتماعي

بار دگر همچون همه ی یکشنبه های اعتراضی، طبق فراخوان ۳۱ تشکل مستقل، ما بازنشستگان در مقابل مجلس، میدان بهارستان و همزمان در دیگر شهرها مقابل سازمان تامين اجتماعي برای دستیابی به تمام مطالباتی که از سال ۹۹ پیگیر بودیم دست به تجمع اعتراضی سراسری زده ایم.

ما بازنشستگان در مقابل حقوق پایمال شده، سختی های روزافزون معیشت و یغماگریهای دولت ها از صندوق، چاره ای نداریم تا زمانی که تمامی مطالباتمان تحقق نیابد به این تجمعات همواره در سراسر کشور ادامه دهیم.

این حق مسلم ماست که پس از سی سال کار و زحمت و پرداخت بموقع حق بیمه مستمر و مالیات، اکنون از آسایش و

۱- کوتاه شدن دست دولت از صندوق های بازنشستگی و نظارت، بازرسی و کنترل نمایندگان مستقل بازنشستگان بر صندوق ها

چند خبر از خوزستان



انتقال یکی از معترضان بهبهان به زندان اهواز

بنا بر خبرهای منتشر شده محمد خلیلی، شهروند ساکن بهبهان و از بازداشتی های اعتراضات مردمی به بی آبی های خوزستان، از زندان این شهر به زندان اهواز منتقل شده است. محمد خلیلی امسال در ۲۵ مهرماه در بهبهان بازداشت شد. طبق خبرها او پس از آغاز موج بازداشت اهالی روستای کردستان بزرگ برای جلوگیری از دستگیری، از بازگشت به خانه اجتناب کرده بود.

اغلب شهروندان و اهالی این روستا که در جریان این اعتراضات بازداشت شده بودند، کشاورز بوده و به دلیل سیاستهای تخریبی و چپاولگرانه محیط زیستی حاکم با مشکل مواجه شده اند. در جریان اعتراضات مردمی در تیر ماه علیه بی آبی که در شهرهای مختلف استان صورت گرفت ده ها نفر کشته و صدها نفر از مردم معترض بازداشت شدند که تنها هويت دستکم ۱۷۱ تن از آنها احراز و اسامی آنها منتشر شد. تجمعات اعتراضی مردمی از شب پنجشنبه ۲۴ تیرماه در استان خوزستان در اعتراض به بی آبی و عدم پاسخگویی مقامات مسئول آغاز و طی دو هفته به دست کم ۴۱ شهر گسترش یافت. معضل بی آبی همچنان یک موضوع اعتراض مردم در خوزستان است.

بازداشت فعالان فرهنگی در کوت عبدالله

به گزارش منابع محلی، روز پنجشنبه ۲۱ بهمن نیروهای امنیتی و انتظامی با یورش به روستای غزاویه در کوت عبدالله تعدادی از جوانان و معلمان ساکن این روستا را بازداشت و به اداره اطلاعات منتقل کردند. به گفته اهالی، نیروهای امنیتی با بازرسی منازل و مصادره موبایل های بازداشت شدگان همراه با ایجاد رعب و وحشت در

میان مردم، با اهالی روستا درگیر شدند. گفته شده است که بعد از یورش به این روستا، خانواده های بازداشت شدگان به اداره اطلاعات مراجعه کرده و به آنها گفته شده که این افراد به دلیل تبلیغ علیه نظام بازداشت شدند. افراد بازداشت شده روز جمعه به مکان نامعلومی منتقل شده اند. اسامی افراد بازداشت شده محمد نواصر، جلال نواصر، حسین نواصر، علی نواصر و علیرضا (احمد) نواصر گزارش شده است. یک خواست مورد تاکید شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوان به تجمع سراسری روزهای سی ام بهمن و سوم اسفند ماه آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی معلمان زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی آنها و تمامی زندانیان سیاسی است.

اومیکرون در حال پیشروی است

شیوع اومیکرون در تمام شهرها در ایران گسترش یافته است. از جمله تعطیلی مدارس منجر به تغییر برنامه روزهای اعتراضات معلمان که قرار بود به صورت تحصن در سطح سراسری در فاصله بیست و سه تا بیست و هفتم بهمن انجام گیرد لغو شد و به جای آن معلمان قرار است در ۳۰ بهمن و ۳ اسفند جهت پیگیری مطالبات خود تجمع کنند. در استان خوزستان طبق خبرها در شبانه روز منتهی به بیست و سوم بهمن ماه، هفت هزار بیمار کرونایی به مراکز درمانی مراجعه کرده اند. به گفته سرپرست دانشگاه علوم پزشکی اهواز، از این تعداد ۱۲۹ بیمار بستری شدند و اکنون تعداد بیماران کرونایی بستری در استان به ۷۰۰ نفر رسیده است که از این تعداد ۵۰۰ نفر در بخش عادی و ۲۰۰ نفر در بخش ویژه تحت مراقبت هستند. به اقرار این مقام مسئول روند واکسیناسیون افراد در خوزستان بسیار کند است.

تمامی پروتکل های سازمان بهداشت جهانی باید در محیط های کار و در سطح جامعه اجرایی شود. باید واکسن معتبر خریداری و واکسیناسیون رایگان و سراسری برای همه مردم اجرا گرد و باید وضع نابسامان بیمارستانها و مراکز درمانی با استانداردهای قابل قبول بهبود یابد و پرستار و نیروی درمانی کافی استخدام شود. درمان و بهداشت رایگان حق مسلم همه مردم است.

تجمع بازنشستگان نیشکر هفت تپه

ساعت ۹ صبح روز ۲۳ بهمن بازنشستگان سال ۹۹ و ۱۴۰۰ نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن بخشی از

تقنامه مالیاتی جمع سراسری...

از صفحه ۷

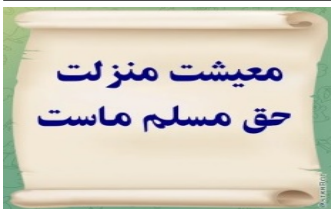
- ۲- پرداخت بدهی های به روز شده دولت به صندوق سازمان تامین اجتماعی
- ۳- اجرای همسانسازی کامل حقوق
- ۴- تعیین حقوق مطابق با هزینه های واقعی زندگی و افزایش آن طبق ماده ۹۶ متناسب با نرخ واقعی تورم
- ۵- اجرای ماده ۱۱۱ (مستمری از کارافتادگی و بازماندگان نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد).
- ۶- توقف طرح دوفوریتی حذف ماده ۵۰ تامین اجتماعی علیه منافع کارگران و بازنشستگان
- ۷- اجرای ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی در مورد ارائه همه خدمات درمانی بشکل رایگان و لغو قراردادهای با شرکتهای بیمه ای که هدفی بجز غارت اموال بازنشستگان ندارند.

سنوات شغلی خود پس از منع ورود به شرکت توسط حراست، اقدام به بستن درب بهره برداری کردند و سپس در مقابل مدیریت شرکت تجمع کردند.

جمع کارگران کاغذ پارس مقابل فرمانداری شوش

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن کارگران شرکت کاغذسازی کاغذ پارس در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به مطالبات شان مقابل ساختمان فرمانداری شوش دست به تجمع زدند.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری- واحد خوزستان
۲۳ بهمن ۱۴۰۰



- ۸- پرداخت عیدی کارگری معادل دو ماه حقوق به بازنشستگان
- ۹- احتساب سابقه ارفاقی مشاغل سخت و زیان آور همچون سابقه استحقاقی در متناسب سازی حقوق سال ۹۹ بازنشستگان و پرداخت معوقه ی آن.
- ۱۰- آزادی بی قید و شرط همه فعالین از جمله کارگر بازنشسته آقای اسماعیل گرامی.
- ما بازنشستگان اعلام می داریم که کاسه صبرمان از این همه بیداد، بی توجهی و شکاف طبقاتی لبریز شده و قصد باز ایستادن و انفعال در این شرایط جهنمی را نداریم و برای برون رفت از این فلاکت روزافزون تا حصول نتیجه، همصدا و منسجم علیه این تبعیض ویرانگر فریاد خواهیم زد. (تشکلهای مستقل بازنشستگان کشور- بهمن ۱۴۰۰)

جنبشهای مطالباتی معلمان، کارگران و بازنشستگان راهکاری بزرگ متحدانه ندارند!

سطح رفاه و خوشبختی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و سایرین در مناسبات موجود، تابعی از مکان اقتصادی/ اجتماعی و درجه رفاه و خوشبختی نیروی کار بطور کلی است. در وضعیت موجود، جنبش مطالباتی کارگران، معلمان و بازنشستگان فقط با همسویی اعتراضات و عمل متحدانه چشمگیر و هماهنگ، با ارتباط منظم مجامع و تشکل‌ها و شوراهای مستقل شان حول پایه‌ای ترین مطالبات و خواست‌های مشترک (حق تشکل و اعتصاب و درمان و تحصیل رایگان و حداقل مزدهای بالای خط فقر، تا رتبه بندی و همسان سازی و بازپس گیری صندوق‌ها و آزادی زندانیان و...) قادر خواهند شد این حکومت و دولت و کارفرماهایشان را به تمکین خواسته‌هایشان عقب برانند!

شورای بازنشستگان ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی

نیست. خیابانها و صحنه اجتماعی برای طرح و پیگیری مطالباتمان تسخیر شده اند چون ادامه این وضع دیگر قابل قبول و تحمل نیست. برای قوی تر شدن و دستیابی سریعتر به مطالبات باید قدرت جداگانه جنبش‌ها بهم پیوندد. منافع هر بخش از جنبش‌های معیشتی به حمایت و پشتیبانی بخش دیگری گره خورده است. این دفاع از حقوق و حق زندگی اجتماعی در شرایط امروز است، صحبت "دسیسه" و حرفهای در گوشی نیست. این همبستگی ضرورت دارد و نیاز مبرم است. منفعت‌هایمان یکی ست و همه را این حکومت خودش به هم پیوند زده است. پایه‌ای ترین مطالبات کارگر و معلم و بازنشسته. مشترک و درهم تنیده است. مُرد حقارت به کارگر میدهند تا معاش معلمان را به برده‌گی ارزان عادت دهند. و سرنوشت این دو، هم اکنون در نکتب زندگی از فقر بازنشستگان جاریست! در تحلیل نهانی، هر درجه توان اقتصادی و

معلم و بازنشسته در جدال و انتظار مُردند و در فقرشان رفتند؟ اگر دولت‌های قبلی وعده الکی میدادند و با ساختارهای بگیر و ببند هماهنگ میشدند، این دولت از اول خودش سر راست اینکاره است و اساسن سازمانش داده اند و جلو فرستاده اند تا بگوید: " برای معلمان و کارگران و بازنشستگان و... پول نداریم، نمیشود، باید بسازند و تحمل کنند!" هر دولتی آمد "سهمش را عین کیک" از صندوق‌ها و منابع بازنشستگی بردند و خرج امور اتشان کردند.

صف مقابل نیروی کارمزدی برای حفظ موقعیت و سودشان و کاستن از تبعات بحران‌هایی که خود ساخته اند با دست بردن به جیب و سفره کارگر و معلم و بازنشسته حل میکنند، چهل سال است دارند این کار را میکنند. استاد این کارند. اما صفوف ما هم دیگر در موقعیت گذشته

ایران اگر تنها جایی نباشد قطعی نادر سرزمینی ست که جنبش کارگری، معلمان، بازنشستگان و سایر جنبشهای اجتماعی برای مینیمم مطالبات و حتی بعضی "قانونی" که با تاریخ جدال‌های گذشته شان رسمیت اش داده اند را هم مدام باید بچنگند تا بگیرند. معلم در اینجا "گولبری" هم میکند و بسیار دست فروشان معلم اند و بازنشستگانش به جبر نان به دنبال کارند و کارگران گله‌ای اخراج میشوند و گُرور کرور بیکارند. همین چند روز پیش معلم و کارگری به شرمندگی از سفره نان خانوار و کودکان شان خود را به آتش فقر سوزاندند و این حکومت و دولت و سهم بران این وضعیت حتی نگاه هم نکردند، درحقیقت میگویند: "خود بسوزانید اما آتش به خرمین منافع و موقعیت ما نزنید!" چند دهه فریب وعده‌های پوچ "انشالله لایحه رتبه بندی، همسان سازی و... در دست بررسی ست"، را باید خورد و باز برایش جنگید و زندانی داد؟ چند کارگر و



این دولتها باقی نمانده است. این را تمام حقایق هر روز دارد به هر ناباوری خاطر نشان میکند. منتشر شده در نشریه ژورنال:

<http://journalfarsi.com/2022/02/09/924/>

۱۳ میلیون نفر در معرض گرسنگی شدید

کاظم نیکخواه

جدی را به مردم تحمیل کرده است. منابع تغذیه انسانها نیز در دست همین دولتهایی است که تنها مشغله شان حفظ حاکمیت خودشان است. برای حفظ این سلطه، مردم و منابع تغذیه را قربانی میکنند و بانی جنگها و مصائب بسیار میشوند. آشکارا برای بشریت راهی جز تعیین تکلیف با

متحد می‌گوید بدون کمک فوری، بروز بحران انسانی در این منطقه اجتناب ناپذیر است. در واقع بحران انسانی مهلکی مدتهاست که جریان دارد و تلفات و مصائب بسیاری را به مردم ساکن آفریقا و حتی برخی مناطق دیگر تحمیل کرده است. یک دلیل مهم این وضعیت گرمایش زمین است و دولتها و قدرتهای حاکم علیرغم هشدارهای مداوم متخصصین و دانشمندان، مدام با سیاستهای خود آنرا تشدید میکنند. یک نمونه آشنایش برای ما حکومت اسلامی در ایران است که با سیاستهای غارتگرانه و ضد علمی یک فاجعه زیست محیطی

"با تأثیر خشکسالی‌های مکرر بر شاخ آفریقا، برداشت محصول متوقف شده، دام‌ها می‌میرند، و گرسنگی در حال افزایش است." "دبلیو اف پی" برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد، می‌گوید ۱۳ میلیون نفر در سراسر شاخ آفریقا به دلیل ادامه خشکسالی با گرسنگی شدید روبرو هستند. جنگها و درگیریهای قومی این وضعیت را بسیار تشدید کرده است. با گسترش خشکسالی ساکنین سومالی، کنیا، و اتیوپی ناچار به مهاجرت به مناطق دیگر میشوند و این خود درگیریهای منطقه‌ای را تشدید کرده است. برنامه جهانی غذای سازمان ملل



خواسته‌های فوری ماکارگران نفت در قبال بیماری مهلک کرونا



خواسته‌های فوری
ماکارگران نفت در
قبال بیماری مهلک
کرونا

کارگران پیمانی از مبارزات پرستانان به عنوان صف اول جبهه مبارزه علیه کرونا و علیه نابسامانی وضع درمان و بهداشت و مشکلات معیشتی و کاری آنها حمایت میکند و مطالبات پرستانان را مطالبات ما کارگران میدانند.

(برگرفته از کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت)

وضعیت خطر آفرین مقابله کنیم. بار دیگر باید با قدرت بر خواست درمان رایگان و اجرائی کردن پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی تاکید کنیم. در قبال این وضعیت خطیر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر نکات زیر تاکید میکند:

- ۱- خرید واکسن معتبر و اجرائی شدن واکسیناسیون رایگان و همگانی
 - ۲- بهبود وضع بیمارستان‌ها و بالا بردن استانداردهای درمانی
 - ۳- اجرای فوری پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی در محیط‌های کار، در اماکن عمومی و در همه جا
 - ۴- استخدام فوری پرستانان قرارداد موقت ۸۹ روزه و استخدام پرستار به میزان مورد نیاز در بیمارستان و برداشتن فشار کاری از روی پرستانان
- شورای سازماندهی اعتراضات

در چنین شرایطی کمبود پرستار در بیمارستانها و مراکز درمانی هم بر وخامت وضعیت افزوده است. با این حال وزارت بهداشت به بهانه نبود بودجه کافی استخدام هزاران پرستار قرارداد موقت با قرارداد ۸۹ روزه را ممنوع اعلام کرده است.

بی تردید اخراج هزاران پرستار وضع بیمارستانها و درمان را وخیم تر خواهد کرد موضوعی که اعتراضات بسیاری در میان پرستانان را برانگیخته است. تا کی باید شاهد فاجعه جان باختن مردم بخاطر ابتلاء به بیماری مهلک کرونا باشیم و مردم به راحتی از بین بروند؟ تا کی باید شاهد سیاست‌های مرگ آفرین حکومت و بی پناهی مردم باشیم؟ در مقابل این بی توجهی‌ها و کشتار عمادانه خود ما کارگران و خود ما مردم باید کاری کنیم. باید با اعتراضاتمان با این

در حالی که کرونا بار دیگر شدت گرفته مردم از امکانات بهداشتی و درمانی محرومند. علیرغم اینکه مسئولین می دانستند دوباره کشور وارد پیک کرونا می شود ولی باز هم هیچ کاری نکرده و مردم را به حال خود رها کرده اند؛ به طوری که اکنون ۱۲۰ شهر از وضعیت قرمز عبور کرده اند.

در استان بوشهر که بسیاری از ما کارگران پروژه ای مشغول به کار هستیم هیچ دستورالعمل روشنی برای مقابله با این بیماری مهلک وجود ندارد و واکسیناسیون هم جدی گرفته نشده به طوری که در روزهای گذشته به شکل تصاعدی شمار مبتلایان تا ۵۰ درصد بالا رفته است.

اوضاع آتیجان وخیم است که بیمارستان‌ها جا ندارند و بیماران در راهروی بیمارستان خوابیده اند.

است. تفرقه همه ما را در برابر دشمنان قسم خورده مان زمین میزند. متحدانه گریبان حاکمین مفتخور را بگیریم و فریاد بزیم که زندگی تک تک کارگران چه بیکار و چه شاغل چه بازنشسته باید بخوبی تامین شود. زندگی انسانی حق تک ماست. زنده باشید برگرفته از کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت)

گاهی دارد؟ مگر بسیاری از هم شهریان ما در تهران و شهرهای دیگر مشغول بکار نیستند؟ آیا مجازیم که بگوییم آنها را هم باید بیرون انداخت؟ همکاران! واقعا به هوش باشید. ما با مبارزات اخیرمان پیشرفتهای زیادی کردیم. دستاوردهای خوبی داشتیم. امیدهای زیادی ایجاد کردیم. اینها را نباید برباد داد. تفرقه سم است. تفرقه کشنده

به دام تفرقه نیفتید: همه ماکارگریم!

محرومترین بخش جامعه هستیم. سهم شیر از آن آقا زاده های مفتخور و سرمایه داران و پیمانکاران و استثمارگران ماست. همکار غیر بومی ما گناهی ندارد. چرا به این دام افتاده اید؟ این عقبگرد و قهقراست. اتحاد مان را باید مثل تخم چشممان نگاهداری کنیم. صحنه های بدی را امروز شاهد بودیم که قلب هر کارگر آگاهی را بدر می آورد. گویی دشمن مان را گم کرده ایم. گویی علت بیکاری مان را نمیدانیم. گویی همکار بیچاره ما دشمن ماست. این دردناک است. این وضعیت قابل تحمل نیست. نباید ادامه یابد. از همه کارگران آگاه می‌خواهیم که فوراً این زخم و این تفرقه را جبران کنند. صف کارگران را دوباره ترمیم و محکم و متحد نمایند. خشم مان را به سوی سرمایه داران و مفتخوران و پیمانکاران و زالوصفتان نشانه رویم نه به سوی همکار عزیزی که در یک شهر و منطقه دیگر متولد شده است. مگر او چه

در روزهای اخیر با تحریک برخی عناصر شناخته شده، تشبیهی میان کارگران کارگران از شرکت نفت ایران در منطقه نفت خیز جفیر ایجاد شده است و با کمال تأسف برخی از همکاران ما که از مناطق غیر بومی آمده اند، مورد تعرض و توهین قرار گرفتند. بحث بر سر اینست که چرا کارگران غیر بومی به جای کارگران بومی استخدام شده اند. بعبارت دیگر بخشی از کارگران که بیکار هستند مقصر این وضعیت را هم طبقه ایهای غیر بومی خود میدانند نه نظام و سیستمی که بر جامعه حاکم است. اگر نگاه کنید رسانه های دولتی هم مدام دارند با تبلیغ اینکه فلان درصد از کارگران غیر بومی هستند و درصد کمتری بومی، به این تفرقه دامن میزنند.

ما یک طبقه ایم. این را باید متوجه باشیم. ما کارگریم. همه ما مستقل از اینکه در کجا متولد شده ایم، بیشترین نقش را در تولید و کارکرد جامعه داریم و

باز هم محیط کار قربانی گرفت

کرده که تلاش برای احیای این کارگر به نتیجه نرسیده و او جان خود را از دست داده است. یکی از معضلات کارگران شاغل در نفت عدم ایمنی محیط کار است. ایمن شدن محیط کار و بالا بردن استاندارد شرایط معیشتی و کاری کارگران یک خواست فوری کارگران نفت است. باید دست پیمانکاران از محیط های کار کوتاه شود.

روز ۲۲ بهمن یکی از کاران اورهالی مجتمع بسیاران پتروشیمی بندر امام به نام نادر موسوی به خاطر عدم ایمنی محیط کار و در اثر شدت جراحت جانباخت. درگذشت نادر موسوی را به همگان تسلیت میگوئیم. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در درج این خبر مینویسد: "در حالیکه هیچ اقدامی برای ایمنی محیط های کار صورت نمیگیرد. در حالیکه محیط های کار به قتلگاه کارگران تبدیل شده روابط عمومی پتروشیمی بندر امام با بیشرمی تمام در اطلاعیه ای اعلام



نامه نصرت بهشتی، معلم زندانی

من نصرت بهشتی فرهنگی بازنشسته که ۸ سال پیش معترض به ساختار پوسیده آموزش و پرورش بودم با اینحالی که عاشق معلمی بودم و بودن با بچه ها و دانش آموزان را دوست داشتم با ۲۲ سال سابقه ی تدریس، استعفايم را تحویل که نمودم بر چه اساسی من را بازنشسته اعلام کردند.

حال به جرم اعتراض کردن به کل سیستم حاکم به ۵ سال حبس محکوم شدم که ۴ ماه آنرا گذراندم ولی به حکم صادره اعتراض نمودم.

همچنین بعلت مشکلات کلیوی م با گذاشتن وثیقه ی یک میلیارد و دو بیست میلیون تومانی مدتی ست درگیر مداوا و درمان بیماری ام هستم.

امروز از بیمارستان که عمل داشتم ترخیص شدم، آیا این است لایق ما که بجای لذت بردن از زندگی و در کنار خانواده بودن حال باید ۵ سال از عمرم را در زندان بیدادگران بگذرانم هرچند همه ما بنحوی در زندان بیدادگران بنام ایران بسر میریم.

نصرت بهشتی ۱۳ مرداد به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی بازداشت و در شعبه یک دادگاه انقلاب مشهد به پنج سال زندان محکوم شد. نصرت بهشتی با وثیقه یک میلیارد و دو بیست میلیون تومان در حال حاضر مشغول معالجه در بیرون زندان است.

برگفته از مدیای اجتماعی

یگ خواست فوری معلمان آزادی همکاران بازداشتی و بسته شدن پرونده های امنیتی بری معلمان دربند کارگرن زندانی و همه زندانیان سیاسی است.



ویژگی های فساد سیستماتیک

برگرفته از کانال تلگرامی شورای بازنشستگان ایران

- بانک جهانی در گزارش توسعه خود، فساد سیستماتیک را استفاده خصوصی از منابع عمومی تعریف میکند و ۱۰ مشخصه برای آن ذکر میکند:
- ۱- انحصاری بودن قدرت مرکزی
 - ۲- دسترسی انحصاری به ثروت عمومی
 - ۳- امکان ارجحیت دادن اراده شخصی بر قانون یا حاکمیت قانون
 - ۴- نبود رقابت سالم و آزاد در بازار
 - ۵- داشتن امتیاز خاص در بهره برداری از منابع
 - ۶- بهره برداری از منابع از طریق روابط سیاسی
 - ۷- حمایت سیاسی برای داشتن شغل و پست
 - ۸- نقض قوانین با استفاده از قدرت سیاسی
 - ۹- نبود عدالت اجتماعی در پروسه قانون گذاری
 - ۱۰- پایین بودن هزینه فساد در نظام اداری.

پ.ن/ اگرچه بانک جهانی نهاد قدرتمند سرمایه و مرکز مشاوره و هدایت کننده نتولیرالیسم جهانی منتشر کرده، اما تمام آیتم های مطروحه بعنوان شاخص های فساد سیستماتیک برای ما چقدر آشناست!! #فساد_سیستماتیک

از خواستهایمان کوتاه نمی آئیم و پیگیر وعده ها هستیم. با صدای بلند باز تکرار می کنیم:

از: هفت تپه کانال مستقل کارگران

بازگشت به کار اسماعیل بخشی که همه ما خود را مدیون او میدانیم. استخدام همکاران فصلی اجرای کامل طرح طبقه بندی و پرداخت کامل مطالبات عرفی و قانونی



برداشتن سه نوع قانون مختلف در پرداخت و قرارداد برکنار کردن مدیران اسدیگی که از قدیم تا الان مشغول خرابکاری و ترویج فساد اداری و مالی هستند. همسان کردن سطح دستمزد بین تمام

مونا فرزند همه ماست

کیان کارگر نفت

من کارگر نفتم. قتل جنایتکارانه مونا حیدری قلبم را به درد آورد. مونا فرزند همه ماست. او قربانی کودک همسری است و سرنوشت او سرنوشت خیلی از کودکانیست که در کودکی به همسر داده میشوند و به این شکل قربانی میشوند. اما مونا بخاطر مورد خشونت قرار گرفتن هر روزه ناگزیر به فرار از خانه شد و به این بدبختی تسلیم

نشد و سجاد با افتخار و غیرت سر او را برید. این دیگر وحشتناک و بازگشت به بشر ماقبل تاریخ است. همکاران ما اعتراض کردیم و خواستار افزایش حقوقها و کوتاه شدن دست پیمانکاران شدیم. خواهان امنیت شغلی و بهبود شرایط معیشتی و کاری در کمپ ها و محیط کار شدیم. گفتیم ۲۰ روز کار، ده روز مرخصی برای اینکه فرصتی داشته باشیم با

خانواده مان باشیم و با فرزندانمان باشیم. و این وضعی است که میخواهند بر سر کودکان ما بیاورند. من فکر میکنم همانطور که اعتصاب کردیم و کمپ ها را با شادی و کف زدن خالی کردیم تا از زندگی و کار خود دفاع کنیم. الان هم باید جمع بشویم و به این جنایت اعتراض کنیم و از حرمت انسانی و کرامت خود دفاع کنیم. و نگذاریم این وحشیگری تصویر جامعه ما باشد. (برگرفته از کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت)



۸ مارس روز فوران خشم
علیه قاتلین مونا و موناها
زنده باد هشت مارس!



بخشی و پیشروی جنبش معلمان را در نظر گیرند. بر این اساس مقابله با ساختارهای زن ستیزانه در شرایط کنونی جامعه ایرانی از وظایف تشکلهای صنفی فرهنگیان است.

در پایان کانون صنفی معلمان ایران ضمن محکومیت قتل فجیع مونا حیدری، کودک همسر اهوازی، و عرض تسلیت به همه زنان ایرانی که در همه این سالها زیر فشار قوانین زن ستیزانه زندگی کرده اند، اعلام می دارد که مسئولیت مرگ مونا حیدری و دیگرانی همچون مونا، با حاکمیتی است که در تداوم، تثبیت و اجرای این قوانین عقب مانده اصرار دارد و علاوه بر آن با گفتمان سازی حول ارزشهای ارتجاعی همچون ناموس و غیرت، به دفاع از جنایتکاران می پردازد.

کانون صنفی معلمان ایران
۱۴۰۰/۱۱/۲۱

#زن_ناموس_کسی_نیست
#زن_کشی
#مونا_حیدری
#زنان_معلم

بسیار کانون صنفی معلمان ایران در محکومیت قتل فجیع مونا-حیدری، کودک همسر اهوازی

ارتجاعی و سنت های زن ستیزانه در برخی مناطق ایران است. آنچه که بیش از هر چیز می تواند، مانع از تداوم چنین فرهنگی در نسلهای بعدی شود، آموزش های مدرن، نوین و انسانی است. دقیقاً از همین رهگذر است که تشکلهای صنفی فرهنگیان سالهاست که نقد به آموزش ایدئولوژیک را جزئی از مطالبات خود بر می شمارند. از همین زاویه مسئولیت معلمان در جهت آموزش ارزشهای انسانی به کودکان مهم و تعیین کننده است. این مهم اگر چه باوجود سبب آموزش ایدئولوژیک در مدارس ایران کاری دشوار و پر هزینه است، با این وجود برای جلوگیری از تکرار فجایعی همچون قتل مونا حیدری لازم و ضروری است. در نتیجه وظیفه معلمان و جامعه فرهنگیان در جلوگیری از چنین فجایعی از این زاویه غیر قابل کتمان است.

سه. معلمان زن در طی یک دهه اخیر نشان داده اند که در صف مطالبه گری و حق خواهی پیشگام جنبش معلمان هستند. حضور گسترده زنان معلم در فعالیت های صنفی، دفاع از مطالبات زنان در جامعه ایرانی را به عنوان یکی از وظایف تشکلهای صنفی فرهنگیان برجسته می سازد. در نتیجه کانون ها و انجمن های صنفی معلمان، علاوه بر اینکه به لحاظ ماهیتی موظف به مقابله با هر نوع بی عدالتی در جامعه هستند، به لحاظ کارکردی باید نقش زنان معلم در انسجام

فروپاشی جامعه ایرانی. بر همین اساس کانون صنفی معلمان ایران لازم می داند نکات زیر را به سمع و نظر مردم ایران و بویژه فرهنگیان شریف برساند:

یک. قتل مونا حیدری کودک همسر اهوازی بدون بستر سازی قوانین زن ستیزانه کنونی امکان پذیر نیست. اینکه کودکی در سن دوازده سالگی با اصرار خانواده و بدون اینکه از حمایت های قانونی بهره مند شود تن به ازدواج اجباری می دهد، سرآغاز وقایعی است که در نهایت به چرخاندن سر بریده اش در کوچه و خیابان منجر می شود.

قوانین عقب مانده کنونی، بیشترین آسیب ها را به زنان جامعه ایرانی وارد می سازد و به هیچ عنوان نه با خواست ملت، نه با عرف جامعه و نه با نگرش امروزی زنان ایرانی همخوانی ندارد.

از طرف دیگر این قوانین زن ستیزانه فرصت لازم را برای برخی مردان روان پریش فراهم می سازد که با آسودگی خاطر دست به جنایت علیه زنانی بزنند که به عنوان خواهر، مادر یا همسر، نخواستارند در چارچوب باورهای ارتجاعی و سنتی حاکم زندگی کنند.

مسئولیت تداوم چنین قوانین عقب مانده ای مستقیماً بر عهده کلیت حاکمیت کنونی در ایران است.

دو. علاوه بر قوانین زن ستیز، ریشه دیگر تداوم چنین جنایاتی، فرهنگ

در شرایط اقتصادی اسفناک حاکم بر زندگی مردم ایران، و در حالیکه هر روز شاهد خیرهایی از خودکشی معلمان، کارگران بازنشستگان و دیگر اقشار فرودست جامعه هستیم، تصاویر هولناک فاجعه اهواز، جامعه در حال تلاطم ایرانی را با شوکی دیگر مواجه ساخت.

بنا بر آمارهای غیر رسمی دست کم شصت زن در استان خوزستان در طی دو سال گذشته قربانی قتل های ناموسی بوده اند که در هیچ کدام از آنها عاملان جنایت مجازات نشده اند.

از طرف دیگر گسترش خشونت، فساد و بزهکاری در شرایط کنونی، به جایی رسیده است که بنا بر نظر پژوهشگران اجتماعی، سن فحشا در دختران به دوازده سالگی و سن دزدی در پسران به هفت سالگی رسیده است.

اگر چه امروز دیگر این آمارها بخشی عینی از زندگی هر روزه مردمان این سرزمین است، اما جنایت اهواز پرده دیگری از این انحطاط رو به گسترش را نمایان ساخت.

اینکه شوهری با سر بریده همسرش در کوچه و خیابان به اغوای تماشاگرانش پردازد، نمادی از یک جامعه عقب مانده نیست، به عبارت دیگر بدویت محض است.!!

این دقیقاً همان چیزی است که سالهاست پژوهشگران حوزه های اجتماعی و سیاسی هشدار آن را می دهند، یعنی